

Jurisprudential Approach to Criterion of Reproductive Legitimacy of the Wife by Foreign Gametes

Fathollah Ghorbani¹, Elham Rezaee²

Abstract

Wife fertility by donation sperm or ovum is one of the new methods of laboratory fertility that experts benefit it to treat infertility of one of the spouses. In this technique, by supervision of doctor, wife will be able to fertility by getting donations sperm or ovum.

Infertility treatment of wife by foreign gametes causes some reactions and oppositions from Shia and Sunni scholars, especially this opposition is more precisely considered in relationship with wife fertility by foreign man's sperm in a way that more scholars treat this prick as adultery and oppose to maintaining chastity. By this citations, it is necessary to study if donation of gametes is unlawful? Or its permission is not out of mind? And by permission assumption, what compliance issues are its provisions? Is administration of this method interference in divine destiny, adultery and violation of caution in frvj? So, in this study, by firm answering to mentioned questions, we prove that benefiting this technique will be conditional lawful.

Keywords

Foreign Sperm, Foreign Ovum, Gametes, Infertility, Laboratory Fertility

Please cite this article as: Ghorbani F, Rezaee E. Jurisprudential Approach to Criterion of Reproductive Legitimacy of the Wife by Foreign Gametes. Iran J Med Law 2017; 11(42): 41-64.

1. Professor, Department of Theology and Islamic Education, Payamenoor University of Nahavand, Iran. (Corresponding author)

Email: Fathollah.ghorbani@yahoo.com

2. Lecturer, Department of Theology and Islamic Education, Payamenoor University of Nahavand, Iran.

رهیافتی فقهی به معیار مشروعیت باروری زوجه توسط گامت بیگانه

فتح‌الله قربانی^۱

الهام رضایی^۲

چکیده

باروری زوجه توسط اسپرم یا تخمک اهدایی یکی از شیوه‌های نوین باروری آزمایشگاهی محسوب می‌شود که متخصصین از آن جهت درمان ناباروری یکی از زوجین بهره می‌برند. در این تکنیک با نظارت پزشک زوجه نابارور توسط دریافت تخمک و یا اسپرم اهدایی قابلیت باروری پیدا می‌کند. درمان ناباروری زوجه توسط گامت بیگانه موجب عکس‌العمل و مخالفت‌هایی از سوی فقهای فریقین شده است، خصوصاً این مخالفت در رابطه با باروری زوجه توسط اسپرم مرد بیگانه از صراحت بیشتری برخوردار است، به گونه‌ای که اکثر فقها این شق را مصداق زنا و مخالف با حفظ عفت زوجه تلقی نموده‌اند. با این استناد لازم است بررسی شود که آیا اهدای گامت به نحو مطلق حرام است؟ یا این که جواز آن نیز دور از تصور نیست؟ و به فرض جواز رعایت چه مسائلی در آن شرط است؟ آیا تجویز این روش دخالت در مقدرات الهی، وقوع زنا و هتک احتیاط در فروج را سبب نمی‌شود؟ لذا در این تحقیق ضمن پاسخ متقن به سؤالات مذکور به اثبات رسانده‌ایم که بهره‌گیری از این تکنیک به نحو مشروط مجاز است.

واژگان کلیدی

اسپرم بیگانه، تخمک بیگانه، گامت، ناباروری، باروری آزمایشگاهی

۱. مدرس، گروه الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه پیام نور، مرکز نهاوند، نهاوند، ایران. (نویسنده مسؤول)

Email: Fathollah.ghorbani@yahoo.com

۲. عضو هیأت علمی، گروه الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه پیام نور، مرکز نهاوند، نهاوند، ایران.

مقدمه

ناباروری واقعه‌ای است که کم‌ترین اثرش ایجاد پوچی در زوجین و در نهایت متارکه آنان از یکدیگر است، اما در عصر حاضر که پیشرفت و نبوغ بشری در آن حاکم است دیگر به ناباروری به عنوان یک تقدیر و مشیت نگریسته نمی‌شود، بلکه بشر برای درمان آن از باروری‌های پزشکی مدد جسته است و سعی نموده این نیاز چرخه حیات را با روش‌های علمی و تجربی و دارویی یا مذهبی درمان نماید.

با توجه به تأکیدی که اسلام به ازدیاد نسل دارد، نمی‌توان گفت باروری‌های پزشکی ممنوع است، چراکه دانشمندان اسلامی تلاش‌های چشمگیری در این زمینه انجام داده‌اند، برای مثال زکریای رازی پزشک و شیمی‌دان معروف در کتابی تحت عنوان «الحاوی»، به پاره‌ای از انواع و اقسام روش‌ها جهت درمان بیماری‌های مربوط به باروری زنان اشاره می‌کند. همچنین بوعلی سینا پزشک نامی اسلامی در کتاب «قانون»، به مواردی از علل ناباروری و راه درمان آن‌ها اشاره می‌کند (۱). در فرآیند اهدای گامت ما با دو مسأله رو به رو هستیم که حکم یکی چالش‌برانگیز و دیگری با اغماض نگریسته شده است:

- اسپرم غیر شوهر (هترولوگ) (A.I.D: Artificial Insemination By Donor): زمانی تجویز می‌گردد که زوجه از قدرت کافی جهت باروری و همچنین رحم سالم برخوردار باشد، لکن زوج به سبب نداشتن اسپرم و اختلال ژنتیکی (۱)، جهت فرزندآوری چاره‌ای جزء روی‌آوری به اسپرم بیگانه و انتقال آن به رحم زوجه‌اش نیست.

بهره‌گیری از اسپرم اهدایی (Artificial Insemination) جهت درمان ناباروری پیشینه بیشتری دارد و برای نخستین‌بار در سال ۱۹۳۰ در انگلستان توسط جان هانتز به صورت امری محرمانه صورت پذیرفت، البته این روش با مخالفت‌هایی مواجه شد که در نهایت در سال ۱۹۴۸ متوقف گردید، مخالفین با استناد به دلایلی، چون ترس از این‌که از این روش در تولید محصولات کشاورزی استفاده گردد و همچنین این روش از نظر مذهب و دین نارواست، استفاده از این روش را ممنوع اعلام نمودند (۲). نمونه موفقیت‌آمیز این روش در کشور آمریکا توسط پان کوست به سال ۱۹۸۴ انجام پذیرفت (۱).

- اهدای تخمک (ED: Egg Donation): در این مورد زوج عاری از مشکل باروری است، اما زوجه یا تخمک ندارد یا اگر دارد به سبب چسبندگی حاد لگنی، اختلال ژنتیکی، فاقد کارایی

مناسب جهت باروری است، برای رفع این مشکل استفاده از تخمک بیگانه پیشنهاد می‌گردد (۱).

اهدای تخمک اولین بار در سال ۱۹۸۳ در ایالت کالیفرنیا انجام گرفت و در سال ۱۹۸۴ اولین فرزند حاصل از این روش متولد گردید و با توجه به این که ۲۰ تا ۲۵ درصد ناباروری زنان ناشی از اشکال در تخمک‌گذاری و تا حدودی ضعف ناحیه رحم است، استفاده از این روش ضرورت دارد (۱).

با عنایت به این که اهدای گامت یکی از روش‌های متداول درمان نازایی در برهه کنونی محسوب می‌شود، در مطالعه حاضر حکم فقهی هر دو شق، یعنی باروری توسط اسپرم مرد بیگانه و باروری توسط تخمک زن بیگانه مفصلاً مورد واکاوی قرار می‌گیرد.

مفهوم لغوی و اصطلاحی گامت

واژه گامت یا یاخته جنسی از نظر لغوی به معنای سلول جنسی است که در تولید مثل نقش دارد (۳) و مشتق از واژه «Camos» یونانی به معنای پیوند ازدواج است. قرآن کریم از این واژه به «نطفه آمیخته‌شده» تعبیر می‌کند و در اصطلاح علم پزشکی، یعنی یک سلول تکامل‌یافته جنسی که می‌تواند اسپرم مرد یا تخمک زن باشد که اگر با سلول جنس مخالف ترکیب گردد، موجب به وجود آمدن صورت‌های ابتدایی موجود دارای حیات جدید شود و پس از آنکه اسپرم، تخمک را می‌شکافد، هسته اسپرم با هسته تخمک پیوند می‌خورد و زیگوت حاصل می‌شود و رسیدن زیگوت به مرحله دو سلولی که تا دو ماهگی ادامه دارد، رویان (Embryo) اطلاق می‌شود، اما از دو ماهگی به بعد رویان را، جنین گویند (Fetus).

پیشینه فقهی

این گونه به نظر می‌رسد که اهدای گامت پدیده‌ای کاملاً جدید و ابداع دانشمندان غربی است، اما با واکاوی فقهی به عمل آمده در این زمینه می‌توان گفت، اگرچه در قدیم اصطلاحی چون «اهدای گامت» مطرح نبوده، اما می‌توان موارد مشابه این روش را در روایات مشاهده نمود. برای نمونه در روایتی محمد بن مسلم از قول امام باقر (ع) و امام صادق (ع) نقل می‌کند:

روزی جمعی از مردم از امام حسن (ع) سؤال کردند: مردی با همسرش مقاربت نموده و سپس آن زن با دختر باکره‌ای مقاربت می‌نماید که منتهی به تخلیه اسپرم شوهرش به رحم آن دختر باکره می‌شود. بنابراین دختر حامله می‌شود. این خصوص چه دستور می‌فرمایید؟ امام حسن (ع) فرمودند: این قضیه مشکلی است و پدرم قادر به حل آن است، ولی من رأی‌ام را می‌دهم، اگر درست بود، از لطف خدا و پدرم است، اگر اشتباه بود، من مقصرم، اما حکم: آن زن باید به دختر باکره مهرالمثل پرداخت کند، به علت این که بکارتش به واسطه وضع حمل از بین رفته و در مرتبه بعد به علت این که آن زن شوهردار و محصنه است، سنگسار می‌گردد، اما دختر باکره، پس به وی تا زمان وضع حمل امان داده می‌شود، آنگاه حد مساحقه در موردش اجرا می‌شود، سپس فرزند متولدشده به صاحب اسپرم داده می‌شود (۴).

اهدای گامت از نظر فقها

در خصوص باروری زن توسط گامت بیگانه فقهای اسلامی سه دیدگاه ارائه داده‌اند:

۱- احتیاط مطلق

گروهی از فقها مذاهب اسلامی در ارتباط با باروری‌های پزشکی از جمله این فرآیند نظری ابراز نداشته و به علت عدم وجود نص متقن و قوی در قرآن و روایات اسلامی این زمینه صرفاً احتیاط نموده‌اند (۵، ۷).

۲- ممنوعیت مطلق

گروهی از فقها اهل سنت و شماری از فقهای معاصر شیعه معتقدند: این فرآیند به علت ورود گامت بیگانه به رحم زن حرام است، اگرچه اهداکننده جنبه قانونی و شرعی را رعایت کرده باشد.

آیت‌ا... فاضل لنکرانی می‌فرماید: گرفتن نطفه از غیر شوهر و همسر خود و تلقیح آزمایشگاهی آن و پرورش در رحم همسر جایز نیست. همچنین ایشان می‌فرمایند: استفاده از نطفه و تخمک زن و مرد اجنبی در رحم زن دیگر، مطلقاً و در هر شرایطی جایز نیست، اما استفاده مطالعاتی از آن‌ها مانعی ندارد (۸).

آیت... مکارم شیرازی در حرمت بهره‌گیری از تخمک بیگانه می‌فرماید: ترکیب نطفه مرد با تخمک زن اجنبی جایز نیست، مگر این که آن زن بی‌شوهر باشد و او را به عقد موقت خود درآورد و از تخمک او استفاده کند (۹).

شیخ عطیه صقر فقیه اهل سنت این روش را به علت این که مثل زناست و موجب اختلاط نسب می‌شود، حرام می‌داند (۱۰).

فقه‌های بزرگی چون آیت... فاضل لنکرانی، آیت... مکارم شیرازی و شیخ عطیه صقر باروری از راه اهدای گامت بیگانه را جایز نمی‌دانند و آن را حرام دانسته‌اند، برای حکم و نظر خود دلایل زیر ذکر می‌کنند.

۱-۲- قرآن کریم:

از جمله آیات مورد استناد مستدلین به حرمت بهره‌گیری از گامت بیگانه، آیه ۳۴ سوره نساء: «فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ» و آیات ۵ و ۶ سوره نور «وَالَّذِينَ هُمْ يُفْرُوهُمْ حَافِظُونَ إِلَّا عَلَى أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ»؛ می‌باشد.

در آیات فوق حفاظت از فرج به نوع خاصی از حفاظت مثلاً از زنا اختصاص ندارد، چراکه عموم و اطلاق آیات بیانگر تأکید در رعایت حفظ فرج است، صاحب کتاب مفاتیح الغیب می‌گوید: «مراد از حفظ آلت تناسلی، حفاظت آن در برابر هر امر ناپسند می‌باشد، پس وارد نمودن اسپرم مرد بیگانه به رحم زن خلاف شرع است» (۱۱). همچنین محفوظ‌ماندن فرج اقتضا دارد که از انتقال اسپرم مرد بیگانه به آن جلوگیری به عمل آید (۱۱). بنابراین اگر زنی توسط فرآیند اهدا گامت، نطفه بیگانه را به رحم خود منتقل کند، در واقع با نص آیات کریمه مخالفت کرده است. همچنین این مسأله با مسلمانی نیز منافات دارد (۱۲).

در تحلیل نظر فوق بعضی علما برداشتی دیگر دارند که قابل تأمل است:

- در تفسیر قمی مراد از «حفظ فرج»، حفظ آن از دید نامحرمان دانسته شده است، پس به این بحث مربوط نمی‌شود (۱۳).

- شیخ حر عاملی مقصود از حفاظت را «حفظ فرج» از نگاه نامحرم و زنا می‌داند (۴). در روایات نیز به همین معنا آمده است، مثلاً ابوبصیر از امام صادق (ع) نقل می‌کند که: «منظور از حفظ آلت تناسلی در هر جای قرآن، حفظ آن از زنا و محفوظ‌نمودن آن از نگاه حرام است» (۱۳).

- مقصود آیات کریمه اموری می باشد که به وضوح تهدیدی برای فروج است (۱۴، ۱۱).
- در آیه ۳۱ سوره نور «وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ»، زنان مورد خطاب واقع شده اند. همچنین تعبیر «حفظ فرج» از اطلاق برخوردار است و لازم است فروج از هر امر ناپسندی محفوظ بمانند (۱۴).

اما این استدلال صحیح نیست. شماری از صاحب نظران در نقد این استدلال بیان نموده اند حکم مزبور در آیه مربوط به زنان نمی شود، چراکه در این آیات مردان نیز مورد خطاب قرار گرفته اند (۱۵). همچنین اگر این فرآیند توسط خود زوجین انجام پذیرد، دیگر مشمول حکم حرمت قرار نمی گیرد (۱۴).

«وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ»، یعنی این که باید فروج از هر چیزی که با آن منافات دارد، حفظ شود و از اموری که مخالف با این حفظ است، پرهیز شود (۱۴). در اشکال باید گفت: مفسرین معتقدند که مقصود از حفظ فرج، حفاظت فرج از نگاه نامحرم و عمل شنیع (زنا) است (۱۶).

۲-۲- روایات:

- در کتاب مستدرک الوسائل از قول نبی اکرم (ص) آمده است: «مردی که نطفه خود را به صورت نامشروع در رحم زنی وارد نماید، گناهش بزرگ تر از شرک به باری تعالی است» (۱۷).
- کلینی از قول امام صادق (ع) آورده است: «سخت ترین و دردآورترین عذاب در روز قیامت جزای مردی است که نطفه خود را در رحم زنی که بر او حرام است، جای دهد» (۴)، چراکه مرد با قراردادن اسپرمش در مهبل زن بیگانه مرتکب حرمت شده است، پس وی از نظر شرعی مستوجب عقاب الهی است (۱۸، ۱۲). آنچه که به طور روشن از اطلاق روایت دریافت می شود، این است که انتقال نطفه مرد بیگانه به مهبل و رحم زن بیگانه، حتی اگر از روش های دیگری غیر از جماع صورت پذیرد، از نظر اخلاق و شرع مردود است (۱۵) و بارداری بدین روش جایز نیست (۱۲، ۱۸). هم چنانکه اطلاق روایت شامل زنان نیز می شود، یعنی آنان نباید نطفه بیگانه را در رحم خود وارد کنند.

بر دلالت روایات فوق اشکالاتی وارد است:

- آیت... خویی بر این عقیده است که این روایات دلالت بر حرمت زنا دارد (۱۹). بنابراین با این استناد، دلالتی بر حرمت اهدای اسپرم به شکل خارج رحمی (IVF یا ICSI:

تکنیک‌هایی که گامت پس از لقاح به رحم زن منتقل می‌گردد) ندارند، چراکه از لحاظ شرعی و اخلاقی این دو تکنیک اشکالی ندارد (۱۸).

- این روایات دلالت بر لزوم بیرون‌ریختن منی از جانب زانی دارد، پس دلالتش بر حرمت انتقال نطفه مرد بیگانه به مهبل و رحم زن بیگانه بعید است (۴).

۳- اهدای گامت مصداق زناست

شماری از فقهای اهل سنت معتقدند اهدای گامت موجب آمیختگی ژن‌ها با یکدیگر می‌شود، پس زنا و مردود است (۱۰). برای مثال شیخ محمود شلتوت بیان نموده است: «این روش باروری با زنا هم‌راستا است که از نظر اسلامی نیز گناه محسوب می‌شود و انسان را از انسانیت خود به دور می‌کند» (۲۰).

علت این دیدگاه‌ها این است که شماری از فقهای اهل سنت بیان کرده‌اند: «انتقال نطفه بارور شده شوهر قانونی به رحم همسرش که توسط فرآیند تلقیح صورت می‌گیرد، حرام است، چه رسد به فرآیند اهدای گامت که اسپرم بیگانه وارد رحم زن بیگانه می‌شود، پس اهدا گامت مسلماً حرام است (۲۱).

اکثر فقها شیعه این فرآیند را زنا نمی‌دانند (۲۲). از اهل سنت نیز فقهایی چون مصطفی زرقاء و طنطاوی معتقدند: «این عمل بسان زنا نیست، چراکه شرایط تحقق زنا در آن موجود نیست، اما تجویزکننده آن تعزیر می‌شود» (۲۳-۲۴).

آیت‌ا... صانعی اگرچه این فرآیند را زنا نمی‌داند، اما آن را حرام می‌داند و می‌فرماید: «باردار نمودن مصنوعی زن با نطفه غیر شوهرش، یعنی وارد نمودن نطفه مرد اجنبی به رحم زن، حرام است، هرچند زنا صدق نمی‌کند، چون همه علل و عوامل حرمت و مفسد زنا در آن وجود دارد و فقیه حرمت را از مذاق فقه می‌یابد (۲۵).

۴- تجدید رسوم ناپسند عصر جاهلی

محمد علی بار و شماری دیگر از علما و فقهای اهل سنت (۲۶) معتقدند: «فرآیند مزبور نوعی صحه‌گذاشتن بر اعمال مردم عصر جاهلی است، چراکه در آن زمان مرسوم بوده که زن می‌بایست دستور همسر خود مبنی بر هم‌خوابی با مردی قوی‌هیکل، شجاع و اشراف‌زاده را بپذیرد تا از نطفه او فرزندی قدرتمند و شجاع نصیب آنان گردد (۲۷).

علامه جعفری (ره) می‌فرماید: «اگر اهدای اسپرم به زن بیگانه جایز و مباح باشد، در واقع مثل این است که اهدا و انتقال اسپرم پدر به دختر خویش و حتی انتقال اسپرم پسر به مادرش جایز و ممنوع نباشد، در حالی که حرمت این گونه از اعمال از بدیهیات اسلامی می‌باشد» (۲۸).

۵- ایجاد خدشه در شرافت انسان

در آیه ۱۵۱ سوره انعام آمده است: «به کارهای زشت چه آشکار، چه پنهان نزدیک نشوید» با استناد به کلمه فاحشه در این آیه می‌توان استنباط نمود بارورنمودن زن توسط فرآیند اهدای گامت، به ویژه اسپرم مرد بیگانه از نظر اخلاق و شرع زشت و ناپسند است.

در روایت نیز آمده است: «از اموری که انسان به آن‌ها مبادرت ورزیده است، کاری ناپسندتر و زنده‌تر از ریختن منی توسط مرد در (رحم) زنی از روی حرام نمی‌باشد» (۴).

پاسخ این است مراد از فاحشه بر اساس نظر علمای لغت رفتار و عمل بسیار زشتی است که از حدود شرعی خارج است. بنابراین اگر عامل روی‌آوری زوجین به این روش، ناباروری باشد، همچنین زندگی آنان بدین علت در معرض فروپاشی باشد، استفاده از آن، فاحشه و ناپسند نیست (۲۹).

آیت‌ا... صافی در این راستا می‌فرماید: «پذیرش این روش مغایر با اغراض قانونگذار اسلام در تشریع ازدواج و برقراری روابط زناشویی و بقای خانواده و موجب ازدواج و برقراری روابط زناشویی بین زن و مرد، مد نظر قانونگذار اسلام می‌شود» (۳۰).

عده‌ای از فقها در نکوهش این روش می‌گویند: «انسان اشرف مخلوقات است و با اقدام به این گونه اعمال خود را از این مهم جدا نموده و با سایر جانداران همگام می‌شود» (۳۱). همچنین این روش باعث می‌شود ارحام سبک به شمار روند و مستهجن جلوه نمایند» (۲۸).

۶- تضییع حقوق کودک

با استناد به آیه ۵ سوره احزاب که می‌فرماید: «پسرخوانده‌هایتان را به پدران‌شان نسبت دهید، این عمل در پیشگاه خدا عادلانه‌تر است». زوجین حق ندارند که کودک حاصل از این فرآیند را فرزند واقعی خود بدانند، چراکه پدر کودک، اهداکننده اسپرم است، در طرف مقابل اگر طفل به وسیله تخمک اهدایی متولد شده باشد، زن اهداکننده تخمک، مادر طفل می‌باشد (۳۲)، اما عده‌ای با در نظر گرفتن دلایلی، چون حفظ سلامت روح و روان کودک (۳۳)، مصلحت کودک (۲)، عدم دخالت اهداکننده در زندگی کودک (۲) و ایجاد وحدت رویه در تربیت کودک

(۳۴) معتقدند: «زوجین می‌توانند کودک را فرزند واقعی خود بدانند و حقایق را پنهان دارند، اما این عقیده برخلاف مذهب و اخلاق اسلامی است»، آن‌گونه که امام سجاد (ع) می‌فرماید: «اما حق فرزند بر پدر این است که بداند او از توست و به تو نسبت دارد» (۳۵). علامه جعفری نیز می‌فرماید: «این‌گونه احساس حقارت‌ها که ناشی از عدم اصالت هستی آدمی در مجرای جهان خلقت است، چه بسا تا آخر عمر دست از گریبان شخص بر ندارد» (۲۸). بنابراین تجویز روشی که کودک در آن با یکی از والدین بیگانه است (۱۸) و نمی‌داند پدرش کیست و به چه نسلی منتسب است، حقوق کودک را ضایع می‌کند (۵).

۷- مخالفت با مقدرات الهی

با استناد به آیات ۴۹ تا ۵۰ سوره شوری «و هر کس را خواهد نابارور می‌کند که او عالم و تواناست» و ادله دیگر، شماری از فقها اسلامی معتقدند: «ناباروری از تقدیرات الهی است، پس تلاش در این جهت دخالت در مقدرات را سبب می‌شود» (۵، ۷). از این روی اظهار نظر یکی از فقهای اهل سنت قابل تأمل است: «دانشمندان با دخالتشان در واقع خود را جای خدا قرار داده و موجب تغییر در اصالت بشر و اختلاط نسب شده‌اند و این دخالت از نظر عقلی مردود است»، بنابراین باروری به شکل اهدای گامت مصداقی برای عنوان ناهماهنگی با فطرت مقدس الهی است (۶).

از باب سدّ ذرایع نیز می‌توان حرمت را استنباط نمود، چراکه اگر فرض نماییم اهدا گامت عملی مطلوب و موجب برطرف شدن ناباروری است، اما در مقابل موجب هتک حرمت و عفت زن می‌شود که این امور حرام می‌باشند (۳۶).

اما به نظر نمی‌رسد که اهدای گامت از آن عناوینی باشد که باعث شود امر خلاف فطرت صورت گیرد، مضافاً این‌که شماری از فقها اسلامی این روش را نوعی نوآوری موجه محسوب نموده‌اند (۶).

۸- مخالفت با احتیاط در فروج

بر اساس مبانی علمای اخلاق، زن باید خصوصاً در زمینه «حفظ فرج» اهتمام لازم را به عمل آورد، امام باقر (ع) در تقدیس این مهم می‌فرماید: «عبادتی بالاتر از عفت در شکم و دامن نیست» (۳۷).

در آیات قرآن از جمله آیه ۵ سوره مؤمنون نیز محافظین فروج به رستگاری نوید داده شده‌اند: «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ وَالَّذِينَ هُمْ يَفْرُوجُهُمْ حَافِظُونَ».

فجواى نصوص، حفظ فرج و حساسیت نسبت به آن را نوعی تکلیف دانسته و در موارد مشکوک احتیاط را واجب می‌دانند (۱۲، ۱۴، ۳۸). بنابراین باروری زن به وسیله اهدا اسپرم با عفت ناسازگار است (۳۹)، در روایات ذیل حساسیت ائمه (ع) نسبت به بحث فروج مشهود است: - در کتاب وسائل الشیعه و از قول امام صادق (ع) در جواب سؤالی از ایشان که آیا می‌توان با زنی که برخلاف شرع اسلام طلاق داده شده است، ازدواج نمود، ایشان نهی می‌کنند و دستور به حفظ فرج می‌دهند و می‌فرمایند: «فرج پدیدآورنده نسل است، فلذا باید در مورد آن حساسیت فراوان مبذول داشت» (۴).

- روایتی در باب وکالت در امر نکاح و از قول امام صادق (ع) در جواب سؤالی مبنی بر این که زنی به مردی وکالت داد تا او را به ازدواج کسی درآورد، امام (ع) در جواب فرمودند: «ازدواج مسأله خطیری است و بایسته است که چون در آن امر فرج و تولید نسل وجود دارد، احتیاط و حساسیت شود» (۴). قائلین به حرمت با استناد به روایت فوق بیان نموده‌اند: «برای تجویز این روش هیچ دلیلی وجود ندارد، پس حرام است» (۱۴).

۹- تغییر در خلقت خدا

قائلین به حرمت با استناد به آیات قرآن بیان نموده‌اند اگر فرزندی توسط فرآیند اهدای گامت به وجود آید در خلقت خداوند تغییر به وجود می‌آید که عملی شیطانی است، چراکه شیطان در آیه ۳۰ سوره روم گفته است: «در انسان‌ها وسوسه ایجاد می‌کنم و به آنان فرمان می‌دهم آفرینش خدا را تغییر دهند.» از سوی دیگر خداوند متعال در آیات متعدد به کرات و مراتب راه تولید نسل و ازدیاد آن را در ازدواج صحیح دانسته و بی‌شک هر راهی غیر از این مورد با قانون الهی در تضاد و محکوم به بطلان است، پس اهدای گامت نوعی عمل شیطانی و تبدیل و تغییر در کار خداوند است. بر همین مبنا عده‌ای از فقهایاسلامی با فتاوی خود این گونه فرآیندها را حرام اعلام نموده‌اند (۳۸-۳۹). یکی از بزرگان مسیحیت نیز معتقد است که باروری‌های پزشکی (IVF)، طبیعت را دگرگون می‌سازد (۴۰).

در پاسخ به ادله قائلین به حرمت که اهدای گامت را نوعی تغییر در خلقت خداوند می‌دانند، می‌توان به نکات زیر اشاره کرد:

- تغییر در خلقت خداوند زمانی محقق می‌گردد که فعل شیطان با خلقت خداوند معارضه داشته باشد، اما در فرآیند مزبور این معارضه مشاهده نمی‌شود (۴۰). مضافاً این که فعل انسان نیز تجلی فعل خداست.

- در آیات قرآن، خداوند در خلقت انسان از تنوع بهره برده است، مثلاً در آیه ۲۰ سوره روم «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ»، «إِنَّا خَلَقْنَاهُمْ مِنْ طِينٍ لَازِبٍ»، آیه ۱۱ سوره صافات «خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ كَالْفَخَّارِ» و آیه ۱۴ سوره رحمن. بنابراین خلقت انسان توسط اهدای گامت نیز نوعی تنوع در آفرینش الهی است.

- با توجه به آیات قبل و بعد از آیه ۳۰ روم، این آیه دلالت بر تبدیل شدن فطرت الهی انسان به کفر دارد، یعنی شیطان انسان را به نحوی همراه کند که از وحدانیت خارج و وارد کفر شود، پس این مسأله اثبات‌کننده حرمت اهدای گامت نیست.

۱۰- ایجاد خلل در أنساب

با توجه به این که معیوب بودن اسپرم مرد، ابتلای شوهر به بیماری ژنتیکی و وراثتی، عمده عوامل روی‌آوری زوجین به این فرآیند است، اما با این وجود عده‌ای از فقها بیان داشته‌اند که این عوامل موجب تجویز فرآیند مزبور نمی‌شود، چراکه موجب اختلاط اسپرم و در نتیجه اختلاط نسب می‌گردد و با توجه به حساسیت‌های شارع نسبت به مسأله نسب، هر گونه آمیزش و باروری مشکوکی مردود است (۴۱).

بنابراین اگر به فلسفه عده‌نگه‌داشتن زنان اندکی تأمل داشته باشیم، بی‌پرده به این نکته رهنمون می‌شویم که عامل اصلی این مهم، جلوگیری از اختلاط اسپرم در رحم زن است، اگرچه اسپرم توسط نزدیکی وارد رحم زن نشده باشد. این دیدگاه در روایتی از قول امام صادق (ع) تأیید شده است، آنجا که علی بن رئاب از امام صادق (ع) پرسشی بدین مضمون دارد که آیا مرد مسلمان اجازه دارد با زن زانیه نکاح کند؟ ایشان فرمودند: بله می‌تواند، اما باید از نزدیکی کردن تا یقین‌داشتن به بارداری نبودن و یا اگر باردار است تا فارغ‌شدن امتناع ورزد (۴).

این گروه از فقها این روش را از فرزندخواندگی که اسلام آن را مردود اعلام نموده است، مخرب‌تر می‌دانند، چراکه معتقدند در فرزندخواندگی، مشخص است که فرزند از آن کیست، اما در این فرآیند این‌گونه نیست، بنابراین تهدیدی برای أنساب است.

شماری دیگر از فقها بیان نموده‌اند به فرض که استفاده از این فرآیند مجاز باشد باید از آن صرف نظر کرد، چراکه این باروری‌ها در محیط آزمایشگاه صورت می‌گیرد، لذا احتمال بی‌مبالاتی در آمیخته‌شدن گامت‌ها وجود دارد و این یعنی اختلاط امیاه و فروپاشی انسب که بهتر است انجام نشود (۶-۷).

۱۱- انحراف در رسالت نکاح

مقتضای فطرت الهی این است که انسان به وسیله نکاح صاحب فرزند شود. در آیه ۷۲ سوره نحل آمده است: «وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُم مِّنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَجَعَلَ لَكُم مِّنْ أَزْوَاجِكُم بَنِينَ»، این مسأله تأیید شده است، اما روش مزبور خلاف این نص است، چراکه در پدیدآوردن فرزند، تنها یکی از زوجین نقش دارند (۱۲). همچنین این روش باعث افزایش میل به باروری در زنان مجرد را افزایش می‌دهد که اثر اصلی‌اش امتناع آنان از ازدواج است (۴۲). از جمله می‌توان به آمار ۳۰ درصدی باروری زنان مجرد آمریکا در سال ۱۹۸۷ اشاره کرد (۱). همچنین این روش باعث ارضای غریزه جنسی مردان به شکل غیر متعارف می‌شود (۴۲) که خلاف نص صریح آیه ۷ سوره مؤمنون است.

شماری از فقها شیعه معتقدند چون این روش رسالت نکاح را خدشه‌دار می‌کند، در نتیجه حرام است، اگرچه به نص صریح قرآنی و روایی جهت تأیید مدعای خود دست پیدا نکرده‌اند، اما بر حرمتش تصریح نموده‌اند، نظیر آیت... میلانی که ابراز داشته‌اند: «حکم تلقیح در ظاهر آیات و روایت بیان نشده است، اما با استمداد از لحن الخطاب می‌توان قائل به این شد که این امر مشروع نیست (۴۳)، بدین سبب آیت... بروجردی حتی «تلقیح منی زوج به زوجه را محل تأمل و اشکال می‌دانند».

همچنین فقهای اسلامی در بیانات خود برای نکاح دو ثمره مهم برمی‌شمارند: «مرتفع نمودن نیاز جنسی و بقای نسل و نسب و معتقدند اهدای گامت، چون نمی‌تواند این رسالت‌ها را برآورده سازد، غیر مجاز است» (۲۱).

۱۲- وقوع حرمت

با استناد به آیات ۳۰ و ۳۱ سوره نور که می‌فرماید: «ای پیامبر به مردان مؤمن بگو: چشمان خود را از نگاه به نامحرمات بپوشانند و فروج خود را حفظ نمایند که این برای پاکیزگی وجود آنان بهتر است و خداوند به آنچه انجام می‌دهید، داناست و به زنان مؤمن بگو: چشمان خود را

(از نگاه شهوت‌انگیز) بیوشانند و فروج خود را حفظ دارند»، می‌توان ابراز داشت: نظرافکندن به عورت دیگری و لمس آن حرام است (۴۴) که در این‌گونه فرآیندها به وقوع می‌پیوندد.

در روایات ذیل نظرانداختن به عورت دیگری مذموم دانسته شده است:

- روایت حریز: هیچ مردی به عورت برادرش نظر نیندازد (۴).

- روایت حسین به زید از امام صادق (ع): نبی اکرم (ص) فرمودند: «ای علی (ع) هیچ گاه بدون ساتر داخل حمام نشو، چراکه نگاه‌کننده به عورت و همچنین شخص منظور مورد لعن خدا قرار می‌گیرد» (۴).

اما با استناد به قاعده اضطرار می‌توان اشاره کرد: اضطرار موجب رفع حرمت می‌شود، درمان ناباروری یک ضرورت محسوب می‌شود، پس شخص، مرتکب حرمت نشده است (۹). همچنین در کتب روایی و به نقل از ائمه (ع) روایاتی وجود دارد که پزشک را محرم می‌داند و نگاه او به عورت شخص جهت معالجه را مجاز می‌داند (۹).

مشروعیت مشروط

شماری از فقها (۴۶-۴۵) معتقدند اکثر روش‌های باروری پزشکی (ART) که به سبب رفع عسر و حرج انجام می‌گیرند، مشروع هستند و برای تأیید ادعای خود به ادله ذیل استناد نموده‌اند:

۱- اصل اباحه و براءت

آیت‌ا... حرم پناهی از جمله فقه‌های معاصر است که این روش را جایز می‌داند و آن را از جمله مصادیق حرام نمی‌داند و معتقد است دلیلی برای حرمت آن وجود ندارد (۱۲). ایشان می‌فرمایند: «ما دلیل بر حرمت‌ساختن، نطفه بچه از دو آب حرام نداریم» (۱۲).

آیت‌ا... خامنه‌ای در این‌باره بیان فرموده‌اند: «استفاده از اسپرم شخص ثالث جهت درمان نازایی و تلقیح فی‌نفسه منع شرعی ندارد و فرقی میان بستگان شوهر و افراد دیگر در این باره نیست» (۴۵).

در کتب روایی نیز احادیثی وجود دارد که بیانگر این مسأله است که اگر در ارتباط با حرمت مسأله دلیلی نباشد، حلال و حداقل مباح است. از جمله روایت عبدالله بن سنان که از امام

صادق (ع) نقل می‌کند که ایشان فرمودند: «هر چیزی بر توحلال است، مگر این که بعینه بدانی آن حرام است» (۴).

با استناد به روایت فوق می‌توان گفت: «ما دلیلی را که به طور واضح بر حرمت این مسأله دلالت کند، نیافته‌ایم، پس باروری به شکل اهدای گامت بی‌اشکال است» (۴۷).

۲- وجوب درمان

فقه پویای اسلام که برگرفته از چشمه زلال و جوشان قرآن کریم و روایات ائمه (ع) است، مشروعیت درمان را مورد تأکید قرار داد. در سیره نبوی نیز ماهیت درمان مورد تأیید قرار گرفته است، آن گونه که پیامبر در مورد هر بیماری‌اش مبادرت به درمان می‌نمودند و نظر أطبا را جویا می‌شدند. ایشان می‌فرمایند: «هان ای بندگان خدا، نسبت به درمان امراض خویش اقدام نمایید، زیرا که پروردگار هیچ مرضی قرار نداده است که درمان نداشته باشد، مگر یک مرض و آن پیری است» (۴۸). در فقه مذاهب اسلامی به ویژه مذهب شافعیه درمان یک امر مستحب انگاشته شده است (۴۸)، اما با استناد به اطلاق روایت: «إِنَّ اللَّهَ لَمْ يَنْزِلْ دَاءً إِلَّا نَزَلَ لَهُ دَوَاءٌ عِلْمُهُ مِنْ عِلْمِهِ وَ جَهْلُهُ مِنْ جَهْلِهِ إِلَّا السَّامُ وَهُوَ الْمَوْتُ» (۴۸)، می‌توان وجوب آن را استنباط نمود. همچنین روایات فراوان دیگری نیز وجود دارد که مضمون آن‌ها بیانگر این مهم است که برای هر دردی درمانی وجود دارد، به جز پیری و مرگ، پس درمان ناباروری امری مشروع است (۴۹). بنابراین درمان ناباروری به شکل مزبور در صورتی که برای زوجین حرج و سختی شدید پدید آورد، بی‌شک جایز و از نظر ادله فقهی درمانش موجه است (۵).

۳- قاعده «اضطرار»

قاعده عمومی مذکور بیانگر این مهم است که احکام اولیه، چون حرمت یا وجوب در صورت رخداد اضطرار جای خود را به جواز داده، لذا در این شرایط ارتکاب حرمت یا عدم انجام واجب از سوی مضطر مجاز می‌باشد. چنانکه در این زمینه آمده است: «کل حرام مضطر الیه، فهو حلال»، در ذیل نیز به روایاتی اشاره شده است که بر مبانی فوق صحه می‌گذارد:

۱-۳- روایاتی که صراحت در عدم وقوع حرمت در حالت اضطرار دارد: امام صادق

(ع) می‌فرمایند: «هیچ عملی حرامی نیست که خدای تعالی آن را در حالت اضطرار مباح نکند» (۴).

۲-۳- روایاتی که در آن‌ها عدم رفع اضطرار کفر تلقی شده است: امام صادق در این راستا می‌فرماید: «مَنْ اضْطُرَّ إِلَى الْمَيْتَةِ وَالدَّمِ وَلَحْمِ الْخَنزِيرِ فَلَمْ يَأْكُلْ شَيْئًا مِنْ ذَلِكَ حَتَّى يَمُوتَ فَهُوَ كَافِرٌ» (۴).

در نتیجه با اتکا به مستندات فوق می‌توان ابراز داشت به فرض که باروری به شکل اهدای گامت حرام باشد، لکن چون زوجین عقیم در شرایط اضطرار قرار دارند، مجاز هستند که ناباروری خود را با دریافت گامت بیگانه درمان نمایند.

۴- قاعده «لا حرج»

بروز ناسازگاری و اختلاف بین زوجین که ناشی از ناباروری است، به حدی زندگی آنان را با سختی دچار می‌کند که تنها راه بقای پیوند آنان تجویز این نوع باروری است (۵۰).

بر اساس قاعده فوق مبنای شارع در تشریع احکام بر آسان‌گیری است چنانکه در آیه ۱۸۵ سوره بقره آمده است: «خداوند برایتان حکم را آسان گرفته و تکلیف را مشکل نخواست است». بنابراین احکام در اسلام به گونه‌ای هستند که از نظر اجرا انسان را در تنگنا قرار نمی‌دهند (۵۱). آیات قرآنی به شکل صریح و غیر صریح عسر و سختی را امری منفی تلقی می‌نمایند، نظیر آیه ۶۱ سوره نور «برای نابینایان و افراد لنگ و بیمار سختی نیست» و آیه ۲ سوره اعراف «ای پیامبر کتابی عظیم بر تو فرستاده شده، پس غمگین نباش و خویش را در سختی نینداز.» بر اساس صحیح‌ترین دیدگاه‌ها در این زمینه مبنا حرج شخصی است، یعنی اگر در مسأله حکمی باعث ایجاد سختی برای شخصی شود، براشته می‌شود (۵۱).

شماری از فقهای اهل سنت، معتقدند نداشتن فرزند برای خانواده‌ها دردناک است که می‌تواند منجر به متارکه شود و از این بالاتر سختی نیست و بیان نموده‌اند: «کلید حفظ بشر و بقای زندگی انسان در فرزندآوری خلاصه می‌گردد، در نتیجه به زوجین نابارور مجوز درمان داده، چراکه معتقدند شارع این رویکرد را تجویز نموده است» (۵۲).

شماری از مراجع معظم تقلید فرایند مزبور را به دلیل مرتفع‌نمودن سختی زوجین نابارور مجاز دانسته‌اند (۴۵، ۵۳).

۵- قاعده «سلطنت»

قاعده تسلیط که متخذ از حدیث شریف نبوی «الناس مسلطون علی اموالهم» است، به شهادت فقهای اسلامی قاعده‌ای عقلی به شمار می‌رود و حاکی از دو مسأله است: همه دخل و تصرفات

شخص در امور تحت تصرفش مباح است. همچنین هر نوع بهره‌وری از مال و منافع دیگران بدون اذن ایشان حرام است، پس انسان می‌تواند در حد عقلایی در اموال و نفس خود تصرف و اشراف داشته باشد. قاعده فوق فقط مربوط به امور مالی نمی‌شود، بلکه با استناد به قاعده اولویت می‌توان گفت شامل نفوس و جان انسان نیز می‌شود. با این توضیح زن نابارور این تسلط را بر جان و رحم خود دارد که با دریافت گامت بیگانه، ناباروری خود را رفع کند (۵۴).

ملاک‌های مشروعیت باروری زوجه توسط گامت بیگانه

۱- اهدا با رعایت موازین شرعی صورت گیرد

رعایت اخلاق اقتضا می‌نماید که گامت بهره‌گیری شده از زنا نباشد (۸) و نحوه گرفتن اسپرم بیگانه غیر شرعی نباشد، یعنی منتج از مبادرت عمل زناشویی باشد (۸). همچنین ملاحظات شرعی و اخلاقی با دقت نظر اعمال گردند (۹، ۴۵) و دقت شود گامت‌ها با یکدیگر مخلوط نشوند (۵).

آیت‌ا... خامنه‌ای می‌فرمایند: «تلقیح زن از طریق نطفه مرد نامحرم فی‌نفسه اشکال ندارد، ولی باید از مقدمات حرام از قبیل نگاه و لمس حرام و غیر آن‌ها اجتناب شود» و در جایی دیگر در جواب سؤال مبنی بر این‌که اگر نطفه مرد ناشناس را در رحم زنی قرار بدهند آیا از نظر شرعی درست است یا نه؟ که ایشان در جواب می‌فرمایند: «عمل مذکور فی‌نفسه منع شرعی ندارد، لکن از لمس و نظر حرام باید اجتناب شود» (۴۵).

۲- گامت به روش ICSI انتقال یابد

اسپرم به دو شیوه اهدا می‌گردد: ۱- خارج رحمی؛ ۲- داخل رحمی (۵۵). اگرچه شمار کثیری از فقها با این شیوه هم مخالف هستند، اما شماری دیگر همچون آیت‌ا... مؤمن و حرم پناهی و همچنین قائلین به جواز، تکنیک اهدای اسپرم را که به دو روش ICSI (تزریق نمودن اسپرم مرد بیگانه در خارج رحم به تخمک زن) و IVF (لقاح اسپرم مرد بیگانه در خارج رحم به تخمک زن) انجام پذیرد را جایز می‌دانند، لذا این دو روش مذکور بهترین روش از چهار روش مزبور است که دو روش دیگر آن بدین قرارند: روش IUI (تزریق نمودن اسپرم مرد بیگانه به طور مستقیم به مهبل زن بیگانه) و روش GIFT (تزریق نمودن اسپرم مرد بیگانه با تخمک زن بیگانه به صورت داخل رحمی) (۵۵).

اما روش IUI خلاف مبانی فقهی است. رضایت زن گیرنده و عدم رضایت او تأثیری در تغییر حکم ندارد (۹). علت آنکه اکثر فقها اهدا به روش IUI را حرام می‌دانند که همان انتقال مستقیم اسپرم مرد بیگانه به رحم زن بیگانه است (۵۴). عموم آیات عظام تقلید صراحتهاً حرمت این شیوه را تأکید نموده، برای نمونه این صراحت در فتوای آیت‌... صافی گلپایگانی که معتقد است شیوه IUI جرم است و پزشک تجویزکننده این روش مستحق تعزیر است، مشهود است (۵۶). آیت‌... صانعی از آن دست فقهایی می‌باشد که این فرآیند را حرام می‌داند، اما معتقد است اگر تلقیح اسپرم بیگانه و تخمک بیگانه به صورت خارج رحمی صورت گیرد، بی‌اشکال است.

۳- اهدا توسط محرم زن (شوهر) صورت گیرد

فقیهانی که حکم به حرمت فرآیند مزبور داده‌اند بی‌شک به عللی، چون هتک حرمت، کشف عورت و... جهت صدور حکم توجه داشته‌اند (۱۵)، با این استناد شماری از علمای اهل سنت انجام این فرآیند را در صورتی مجاز می‌دانند که توسط شوهر زن انجام گیرد، لکن در صورت فقدان شوهر یا متخصص نبودن وی این فرآیند با حضور زوج یا زنان محرم زوجه صورت گیرد و از فحوی کلام پیداست که انجام کامل فرآیند توسط نامحرم حرام است (۵).

آیت‌... میرزااواد تبریزی در جواب سؤالی مبنی بر این که زوجه تخمک برای باردار شدن ندارد، آیا جایز است که از زن بیگانه تخمک گرفته شود و با نطفه زوج آمیخته شود، سپس در رحم زوجه قرار داد؟ پاسخ می‌دهند: «چنانچه مباشر در اخراج تخمک از زن اجنبیه شوهر آن زن باشد یا تخمک را از رحم زن اجنبیه در وقت معالجه مرض از رحم او درآورند و مباشر در زرع تخمک در رحم زنی که تخمک ندارد، هم شوهر او باشد، مانعی ندارد، واللّٰه العالم» (۵۷).

۴- اهدا با رضایت زوج باشد

شماری از فقههای مذاهب اسلامی فرآیند مزبور را به شرطی مجاز می‌دانند که رضایت شوهر حاصل شده باشد (۵). آیت‌... صانعی در این راستا می‌فرماید: «واردنمودن اسپرم مرد اجنبی در رحم زن مسلمانی که شوهرش عقیم است، حرام است، لکن برای رفع مشکل نداشتن فرزند حرج و مشقتی که برای زن و شوهر وجود دارد، حرمت عمل با رضایت شوهر زن مرتفع می‌گردد و حرج، نافی و رافع این گونه حرام‌هاست (۲۵).

نتیجه‌گیری

با توجه به مستندات مطروحه که درباره مشروعیت یا عدم مشروعیت باروری توسط گامت بیگانه ارائه گردید، نتایج ذیل به دست آمده است:

۱- اهدای گامت خصوصاً اسپرم مرد بیگانه در صورتی مجاز است که گامت توسط فرآیند خارج رحمی منتقل شده باشد.

۲- بعضی از فقها که قائل به حرمت هستند با عنایت به وضعیت اسفناک خانواده‌های بی‌فرزند رأی به جواز داده‌اند، البته روایاتی که مستدلین به آن جهت حرمت این روش استناد کرده‌اند، مربوط به بحث زناست و دلالتش بر حرمت این مسأله قاصر است.

۳- اهدای گامت نباید محرمانه صورت گیرد، چون که کم‌ترین مشکل آن این است که در آینده دو محرم با هم ازدواج کند که این خود با شریعت اسلام ناهمگون است، اما لازم است که آبرو و شخصیت گیرندگان تا حد لزوم حفظ شود، به گونه‌ای که موجب سرخوردگی اجتماعی زوجین، به خصوص مرد نشود.

۴- لزوم شفاف‌سازی و رعایت حقوق کودک ایجاب می‌کند که کودک حاصل از این روش حق داشته باشد که از نحوه پیدایش خود مطلع گردد، پس بر مراکز باروری فرض است که کلیه اطلاعات دریافت‌کنندگان و گیرندگان گامت را ثبت و ضبط نمایند تا در موقع لزوم در اختیار این نوع کودکان قرار گیرد، اما این فقط والدین غیر ژنتیکی هستند که می‌توانند نسب این نوع کودکان را هویدا نمایند نه اشخاص دیگر.

۵- استفاده از این روش دخالت در کار خداوند نیست و با کرامت انسانی تضاد ندارد، اما باید در مورد استفاده از آن محدودیت‌های وضع گردد تا دست سوء استفاده‌کنندگان از این عرصه کوتاه گردد، فلذا نقش مراکز باروری بسیار حائز اهمیت است.

۶- انتقال اسپرم مرد بیگانه جهت اهدای آن به زن بیگانه عمل منافی عفت و زنا تلقی نمی‌گردد، گرچه شماری از بزرگان نسب را مشروط به انعقاد نطفه حاصل از نزدیکی زوجین دانسته‌اند، اما در این فرآیند نیز می‌توان نسب طفل را محفوظ داشت.

۷- فقهایی که استفاده از این روش را حرام می‌دانند احتمالاً تصورشان این بوده که زن متقاضی باید با مرد اهداکننده رابطه نامشروع برقرار نماید، اما امروزه با مدد روش‌های نوینی، چون In Vivo و In Vitro، اصلاً بحثی از ارتباط زن با مرد اهداکننده وجود ندارد، بلکه تمام

مراحل در محیط آزمایشگاه انجام می‌پذیرد. بنابراین می‌توان از گامت بیگانه بدون مواجه فیزیکی بهره برد.

۸- در مورد حکم تکلیفی اهدای گامت، چهار نظریه از سوی فقهای اسلامی ارائه گردید که مورد نقادی قرار گرفتند و نظریه که در این مورد منتخب گردید، نظریه مشروعیت مشروط است و علت ترجیح آن از میان سایر نظرات این است که در این نظریه تکیه فراوانی بر روی رعایت موازین شرعی و همچنین همخوانی با اصول مسلم پزشکی و مدارک و موازین فقهی شده است. مستندات این نظریه با اوضاع و احوال جامعه نیز سنخیت دارد که البته تمام این فرآیند باید تحت نظارت متخصصین انجام پذیرد.

References

1. Keye W, Chang R, Rebar W, Soules R. Unfertility, assessment and treatment. Translated by Karimzadeh MA, Falahatiyan A, Taheri R, Firouzabadi R. Yazd: Yazd Publication Institution; 1997. p.7. [Persian]
2. Frith L. Gamete Donation and Anonymity, the ethical and Legal debate. Human Reproduction 2001; 16: 818. [Persian]
3. Dehkhoda A. Dictionary. Tehran: University of Tehran; 1958. [Persian]
4. Hor Ameli M. The means of the Shiite to collect Sharia issues. Beirout: Darahia Arab heritage; 1992. [Arabic]
5. Salameh ZH. Children's Ties between Science and Science. Beirout: Darahia Arab heritage; 1981. p.71. [Arabic]
6. Basam MA. Children of Pipes. Islamic Jurisprudence Council Journal 1977. 1: 367. [Arabic]
7. Ahmad A. New in Fattawi disease and human infertility. Ordon: Darolforghani; 1994. p.8-21. [Arabic]
8. Fazel Lankarani M. Collector issues. Qom: Amin Publication; 1998. Vol.1. p.568. [Persian]
9. Makarem Shirazi N. A collection of a referendum message .Qom: The School of Emam Ali bin Abitaleb; 2002. Vol.2. Chapter.50. [Persian]
10. Davish A. Fatwa collection. Qatar: Qatar State Magazine; 1980. p.518. [Arabic]
11. Fakhr Razi M. Mafatihol Gheib. Qom: School of Ala'al al-Islam; 1993. Vol.6. p.297. [Arabic]
12. Hram Panahi SM. Artificial insemination. Ahle Beit Jurisprudence: Institution of Islamic jurisprudence (PBUH) 1997; 3(9-10): 130. [Persian]
13. Ebrahim Qomi HA. Qomi Interpretation. Qom: Darol Ketab Institution; 1986. Vol.2. p.101. [Persian]
14. Rohani MS. Al-Masal al-Mustawada. Qom: Darol etab Instiution; 1995. p.8-9. [Persian]
15. Moaayed H. Issues of inferred jurisprudence. Qom: Shahid Printing; 2008. p.12. [Persian]

16. Tabatabaee SMH. Almizan Interpretation. Translated by Musavi SMB. Qom: Islamic Publication Office dependent on the community of lecturers in the seminary of Qom; 1996. Vol.15. p.15. [Persian]
17. Noori MH. Mustardak al-Wasael and Musta'nat al-Masa'il. Qom: Alolbeit Institution; 1987. Vol 14. p.335. [Arabic]
18. Qomi MM. Mustardak al-Wasael and Musta'nat al-Masa'il. Qom: Nashrol eslami Publication; 1995. p.81-83. [Persian]
19. Khoyee SA. Referendum. Qom: Foundation to revive the ruins of Khoyee; 2002. Vol.11. p.126. [Persian]
20. Shaltoot M. Ftwas. Qahere. Darol Fekr; 1990. p.213. [Arabic]
21. Deibol Bagha M. The system of Islam in the Apha and ethics and legislation. Beirroot: Darolfekr; 1998. p.213. [Arabic]
22. Vahid Khorasani H. Clarify Issues. Qom: Bagherol oloom School; 2000. p.2898. [Persian]
23. Qaem O. Rulings of the fetus in Islamic Jurisprudence. Beirroot: House of Andalusia; 2001. p.281. [Arabic]
24. Tantavi A. Alsoodi Fatwas. Beirroot: Darolmanah; 1999. p.103. [Arabic]
25. Saneyee Y. Pezeshki Surveys. Qom: Meysam Tamar; 1998. p.110-130. [Persian]
26. Bar MA. Industrialization and pipes. Journal of Islamic Fatwas complex 1987. 1: 289. [Arabic]
27. Javad A. Detailed in the history of the Arabs before Islam. Beirroot: Darolelm lelmalaeen; 1968. Vol.5. p.538. [Arabic]
28. Jafari MT. Letters of jurisprudence. Tehran: Manshoorate Keramat Institution; 1999. Vol.1. p.307. [Persian]
29. Abdol Eslam MH. Dictionary of language measures. Qom: School of Alaal al-Islami; 1984. Vol. p.478. [Arabic]
30. Safi Golpayegani L. The guidance magazine. Qom: The guidance magazine; 1992. p.222. [Persian]
31. Najafi MH. Jawaher al-Kalam in explaining the laws of Islam. Beirroot: Darahia Arab heritage; 1981. Vol. 29. p.258. [Arabic]

32. Sadr SM. Beyond the doctrine. Beirout: House of Lights; 1966. Vol.11. p.6. [Arabic]
33. Raoul Duval A, Letur konirsch H, Frydman R. Aninymous OOcyte donation: A Psychological study of Recipient. Donors and children. Human Reproduction 1992; 7: 51-54.
34. McGee G, Brakman S, Gurmankin A. Gamete donation and Anonymity disclosure to children conceived with donor gamete should not be optional human Reproduction. Hum Reprod 2001; 16(10): 2033-2036.
35. Majlesi MB. Baharol-Anvar. Beirout: Publication of Alvafa Institution; 1987. Vol.74. p.6-7, 15. [Arabic]
36. Hakim MT. The General Principles of Comparative Jurisprudence. Beirout: Andalus House; 1963. p.39. [Persian]
37. Koleini MY. Osoolol Kafi. Beirout: Dar Al-Fakr al-Mu'aser; 1982. Vol.5. p.541. [Arabic]
38. Reza Nia Moaalem MR. Simulation of scientific, ethical, legal and jurisprudential considerations. Qom: Boostan Book; 2004. p.159. [Persian]
39. Mohamadi A. Simulation of scientific, ethical, legal and jurisprudential considerations. Qom: Authority of the Supreme Leader; 1999. p.200. [Persian]
40. Korgovi AP. Classical Classes in Medical Ethics. Tehran: Ministry of Health; 1994. p.115.
41. Helli FM. Explain the benefits in explaining the problems of rules. Qom: Esmailian Publication; The first printing; 2008. Vol.4. p.469. [Arabic]
42. Pakard V. Adasazan. Translated by Afshar Hassan. Tehran: Behbahani Publication; 1991. p.278. [Persian]
43. Emami A. A comparative study of the percentage of Iran and France. Tehran: Publication of Tehran University; 1979. p.367. [Persian]
44. Janati ME. Message clarifying issues. Qom: Ansariyan; 2003. p.500. [Persian]
45. Khameneyee SA. Medical in the mirror of ijtehad. Qom: Ansariyan publication; the first printing; 1996. p.282. [Persian]

46. Yazdi M. Artificial fertility and its jurisprudential ruling. Ahl al-Bayt Jurisprudence Magazine 1997; 2(5-6): 105. [Persian]
47. Motahari A. Editorial. Qom: Dar Alalem Publications; 2002. p.190. [Persian]
48. Beyhaghi AB. Sanan al-Kubri. The achievement of Mohammed Abdul Qadir Atta. Mecca: Daralbaz Office; 1993. Vol.4. p.368. [Arabic]
49. Heathami A. Complex of appendages. Beirroot: Arabic Bookshop; 1987. Vol. 5. p.85. [Arabic]
50. Georgi AQ. A comparative study of family law. Tehran: Publication of Tehran University; 2005. p.431. [Persian]
51. Mostafavi SK. Mae Al-Fiqahi's Rule. Qom: Al Ma'darsin Society of Qom Seminary; 2001. p.298. [Persian]
52. Maghrebi Tamimi N. Prayer for Jesus .Qom: Al-Alibat Institute (AS); 2006. Vol.1 p.309. [Arabic]
53. Hosseini Sistani SA. Al-Masal al-Montaya. Qom: Ayatollah Sayyid Ali Sistani School; 2002. Vol.1. p.765. [Persian]
54. Tabatabai MH. Islamic jurisprudence and jurisprudence. Najaf: Darulahalal; 2000. Vol.2. p.51. [Persian]
55. Jaafari H. Investigation of Male Infertility, Diagnosis and Treatment. Tehran: Hayan; 2003. p.191. [Persian]
56. Golpayegani MR. Treatise on the explanation of Al-Masaleh. Qom: Darul Quran al Karim; 2004. Vol.2. p.52. [Persian]
57. Tabrizi MJ. New essay. Qom: Sarv Publication; 1991. p.2120. [Persian]